

پاکستان – عربستان؛

علايق و موانع همكاري راهبردي در دوره نواز – سلمان

جواد جمالی *

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال هفدهم، شماره 2، پیاپی 66، تابستان 1395؛ صفحات 20-5

تاریخ پذیرش نهایی: 1395/05/15

تاریخ دریافت: 1395/04/25

چکیده

پاکستان و عربستان به عنوان دو کشور مهم جهان اسلام، در نیم قرن اخیر به دلایلی مانند نیاز متقابل، سنخیت‌های مذهبی و منافع منطقه‌ای همسو، مناسبات بسیار نزدیک و در برخی مقاطع روابط راهبردی را تجربه کرده‌اند. اگرچه این روابط فراز و فرودهایی داشت، از تداوم و ثبات نسبی قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردار بود. براساس برخی شواهد می‌توان پی برد که بعد از روی کار آمدن نواز شریف در پاکستان و ملک سلمان در عربستان، همکاری‌های مذکور در حال تبدیل شدن به «اتحاد و ائتلاف راهبردی» است و فهم علل این تحول نیز به درک روشن‌تر تحولات آینده کمک می‌کند. حال، چرا همکاری‌های پاکستان و عربستان در دوره نواز شریف و سلمان بن عبدالعزیز، به صورت یک اتحاد راهبردی تجلی یافته است؟ برای پاسخ به این پرسش باید گفت از آن جایی که هماهنگی جبهه تروریست‌های ضد سوری، مدیریت جنگ علیه یمن و سرکوب مقاومت‌های مردمی در منطقه توسط عربستان مستلزم تشکیل یک بلوک سیاسی-امنیتی متحد است و به اعتقاد آل سعود، پاکستان باید نقش محوری را در این جبهه ایفا کند، علاوه بر نیازمندی‌های متقابل اقتصادی و نظامی طرفین، همکاری دولت‌های نواز و سلمان به سمت اتحاد و ائتلاف راهبردی سوق یافته است.

واژگان کلیدی

پاکستان، عربستان، نواز شریف، سلمان بن عبدالعزیز، اتحاد و ائتلاف، آل سعود

در صحنه سیاست بین‌الملل، معمولاً کشورها متناسب با آرمان‌ها، اهداف و منافع خود، راهبردها و سیاست‌های متفاوتی را در حوزه سیاست خارجی انتخاب می‌کنند. این راهبردها که شامل طیف وسیعی از انزوا تا اتحاد می‌شود، اغلب برابند مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و تحولات تاریخی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی یک دولت و جامعه تحت حاکمیت آن محسوب می‌شود که طی یک روند تدریجی شکل گرفته است. گاهی نیز راهبردهای سیاست خارجی دو یا چند کشور به دلایل مختلف به گونه‌ای در یکدیگر گره می‌خورد و نوعی اشتراک منافع پایدار پیدا می‌کند که کمتر رخدادی قادر است آن را متزلزل سازد.

در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه)، عربستان و پاکستان با پیشینه تاریخی - تمدنی متمایز و دو نظام سیاسی کاملاً متفاوت، نوعی از روابط و تعامل را تجربه می‌کنند که ضمن نزدیکی به یکدیگر مکمل هم نیز هستند. عربستان سعودی با جمعیت حدود 30 میلیون نفری مسلمان و تحت پادشاهی موروثی آل سعود در جغرافیای وسیعی بین دو پهنه آبی خلیج فارس و دریای سرخ گسترده شده است. در این کشور نفت خیز و بسیار ثروتمند که در سال 1932 از انگلستان جدا و سپس مستقل شد، از دموکراسی و انتخابات نشانی یافت نمی‌شود و شخص پادشاه تقریباً زمام تمام امور را در دست دارد. از سوی دیگر، وجود اماکن مقدس مسلمین در این کشور، جایگاه مذهبی خاصی به آن بخشیده است. پاکستان نیز با جمعیت بیش از 180 میلیون نفر در قالب نظام سیاسی «جمهوری اسلامی» و به تناوب تحت حاکمیت سیاسیون و نظامیان، پس از استقلال هند انگلیس در سال 1947م، تا کنون به حیات خود ادامه داده است. داشتن سلاح هسته‌ای، ارتش مجهز و توانمند و موقعیت ژئوپلیتیک در مجاورت افغانستان، هند، ایران و آب‌های آزاد در برخی ادوار جایگاه ویژه‌ای به پاکستان بخشیده و تحولات داخلی و خارجی بسیاری برای آن رقم زده است. بر خلاف عربستان که قدرت

برتر در سیطره پادشاه است، ارتش و مراکز وابسته به نظامیان در پاکستان کانون اصلی قدرت محسوب می‌شوند. با این حال، این کشور از لحاظ اقتصادی، یک کشور فقیر و نیازمند کمک‌های خارجی است.

در سه دهه اخیر، مناسبات پاکستان و عربستان همواره با تعابیری مانند «روابط منحصر به فرد» و «یکی از نزدیک‌ترین روابط موجود میان دو کشور در دنیا» یاد شده است. در این مدت، عواملی مانند نگرانی از گسترش انقلاب اسلامی ایران، نیازهای اقتصادی پاکستان، تشکیل جبهه جهاد در افغانستان، نیاز آل سعود به حمایت نظامی، سیاسی و نیروی کار پاکستان و ... همواره موجب روابط نزدیک دو کشور بوده است. این روابط در یک دوره طولانی فراز و فرود زیادی داشته؛ اما پس از انتخاب دوباره نواز شریف در ژوئن 2013، در حال ارتقا و تقویت است. نواز شریف سومین دوره حاکمیت خود را در حالی آغاز کرده که از یک سو، حیات سیاسی دوباره‌اش مدیون آل سعود است و از سوی دیگر، پاکستان با مشکلات داخلی زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. در عربستان نیز سلمان بن عبدالعزیز، شاه جدید سعودی پس از روی کار آمدن در 23 ژانویه 2015، به سرعت دست به تحرکات گسترده‌ای زد و درصدد جذب همراهان و حامیان خارجی برای سیاست‌های ماجراجویانه خود در منطقه برآمد. سفرهای نواز شریف به عربستان و سفر مقامات مختلف سعودی به پاکستان در دو سال اخیر، بارها با اهداف مختلف تکرار شده و نواز شریف از زمان به قدرت رسیدن، چندین بار به صورت غیررسمی و رسمی به عربستان سفر کرده است. به اذعان مقامات دو طرف و با توجه به تحولات میدانی، سطح جدیدی از همکاری‌ها میان این دو کشور شکل گرفته است که با شاخص‌های یک اتحاد راهبردی انطباق بیشتری دارد.

اکنون باید پرسید چرا روابط و همکاری‌های پاکستان و عربستان در دوره نواز شریف و سلمان بن عبدالعزیز به صورت یک اتحاد راهبردی تجلی یافته است؟



به نظر می‌رسد بتوان در پاسخ به این سؤال، این فرضیه را مطرح کرد که علاوه بر نیازمندی‌ها و منافع متقابل اقتصادی و امنیتی دو کشور، برخی محرک‌های سیاسی و امنیتی منطقه‌ای از جمله بحران‌های سوریه و یمن و تلاش عربستان برای تشکیل بلوک سنی قدرتمند، موجب شکل‌گیری و تداوم اتحاد راهبردی دولت‌های نواز - سلمان شده است. در این پژوهش، با اتکا به روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از چارچوب مفهومی «اتحاد و ائتلاف»، بر تبیین ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی همکاری‌های راهبردی دولت‌های نواز شریف در پاکستان و سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان از سال 2015 تا کنون تمرکز خواهد شد.

1. سیاست خارجی و الگوی «اتحاد و ائتلاف»

کشورها برای پیشبرد سیاست خارجی خود به اقتضای اهداف، منافع ملی و امکاناتشان الگوهای متفاوتی را از همکاری یا منازعه انتخاب و اجرا می‌کنند. برای تحقق همکاری واحدهای سیاسی، معمولاً الگوی «اتحاد راهبردی»، عالی‌ترین سطح رابطه شناخته می‌شود. الگوی «اتحاد و ائتلاف» نیز نوعی جهت‌گیری دولت یا گروهی از دولت‌هاست که از طریق ائتلاف، تعهداتی را در برابر یکدیگر می‌پذیرند. این دولت‌ها احساس می‌کنند بدون قبول برخی تعهدات، به‌ویژه تعهدات نظامی، قادر به مقابله با تهدید خارجی یا دفاع از منافع ملی و تحقق اهداف سیاست خارجی خود نخواهند بود. از این رو، در استراتژی اتحاد و ائتلاف، کشورها به دنبال قبول تعهدات در مقابل دیگران هستند. کشورهای پیرو این استراتژی معتقدند که به تنهایی قادر به تأمین منافع داخلی و خارجی خود نیستند. وجود منافع اقتصادی، ایدئولوژیک و امنیتی مشترک، دولت‌ها را وادار می‌کند که در چارچوب همکاری‌های «درون‌گروهی» (مانند ناتو) یا «برون‌گروهی» (همکاری‌های دو کشور معین در زمینه‌های مشخص) ائتلاف‌هایی

را به وجود بیاورند و تعهدات متقابلی را بپذیرند (قوام، 1383: 180).

به طور کلی، قبول تعهدات متقابل و همکاری دو یا چند کشور به دلایل مختلفی مانند ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت، تحقق اهداف و منافع ملی و ... و از طریق ترکیب توانایی‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی و نظامی است. در این میان، منظور اصلی دولت‌ها از همکاری و اتحادهای دوجانبه، «غلب کسب منافع بیشتر» است؛ کسب منافعی که پیش از همکاری به سادگی امکان‌پذیر نبود یا کاملاً غیر ممکن به نظر می‌رسید (Booth, 1978: 37). متغیرهای زیر در شکل دادن به همکاری و ائتلاف در سیاست خارجی دو کشور بسیار مؤثر هستند (قوام، پیشین: 145-136).

- ارزش‌ها و اعتقادات

در بیشتر جوامع، ارزش‌ها و باورها دلایل و توجیهاتی را برای اتخاذ تصمیم‌ها و تعیین هدف‌ها توسط سیاست‌گذاران سیاست خارجی فراهم می‌کند. سیستم اعتقادی یک دولت از این لحاظ اهمیت دارد که طرحی نسبتاً روشن از کارکرد نظام بین‌المللی و موقعیت یک دولت در برابر دولت‌های دیگر به دست می‌دهد. بنابراین برخی رفتارهای بین‌المللی طرد و پاره‌ای دیگر طوری تفسیر می‌شود که با نظام اعتقادی جامعه سازگار باشد. گاهی ممکن است اهداف سیاست خارجی در چارچوب یک ایدئولوژی خاص تعریف شود که این ایدئولوژی، فقط یک راه را از میان راه‌های گوناگون برای اتخاذ تصمیمات سیاست خارجی خاص توجیه می‌کند. برای مثال، عربستان غالباً داده‌های سیاست خارجی خود را در چارچوب «ایدئولوژی سلفیت وهابی» ارائه و توجیه می‌کند.

- زمینه‌های تاریخی و فرهنگی

این عامل به صورت خودآگاه و ناخودآگاه، تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طور معمول، داشتن یک عقبه تمدنی



باشکوه و قدرتمند به جوامع و دولت‌ها در عرصه بین‌المللی، اعتماد به نفس قابل ملاحظه‌ای می‌بخشد و فقدان این پیشینه در یک کشور نیز موجب بروز نوعی ضعف و ترس تاریخی می‌شود. برای نمونه، عربستان همواره به عنوان یک نظام سیاسی قبیله‌ای - بدوی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر، بقای خود را به پشتوانه حمایت خارجی تضمین کرده است.

- نیازهای داخلی

تأمین نیازهای داخلی اعم از اقتصادی، تکنولوژیک، فرهنگی و امنیتی از عوامل و انگیزه‌های مهم سیاست‌گذاری خارجی محسوب می‌شود. مختصات جغرافیایی، شرایط دموگرافیک و اوضاع اقتصادی یک کشور در طرح نیازها و خواست‌های اجتماعی و عمومی از سوی سیاست‌گذاران بسیار مؤثر است. گاهی نیازهای دائمی و متقابل برخی از کشورها، فارغ از این که چه دولتی در آن کشور بر سر کار باشد، آنها را برای مدت‌های طولانی به یکدیگر وابسته و زمینه همکاری پایداری را فراهم می‌سازد. برای مثال، نیازهای اقتصادی و مالی پاکستان عامل بسیار مهمی در همراهی این کشور با کشورهای عربی ثروتمند حاشیه خلیج فارس بوده است.

- میزان برخورداری از قدرت

معمولاً دولت‌هایی که قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارند از انگیزه زیادی برای اعمال آن در سیاست خارجی خود برخوردار هستند. از سوی دیگر، دولت‌های ضعیف در تنظیم سیاست خارجی خود به کشوری که قدرت قابل ملاحظه‌ای در ابعاد مختلف دارد، با نگاه ویژه‌ای برخورد می‌کنند. برای مثال، پاکستان با داشتن ارتش قدرتمند و سلاح هسته‌ای، همواره در تشکیل نظام‌های امنیتی منطقه‌ای مورد توجه برخی کشورها بوده است.



- تصویر کلی از سیاست بین‌الملل

این عامل به معنای درک یک سیاست‌گذار از واقعیت‌ها و شرایط محیط بین‌المللی، متعارض بودن یا نبودن منافع دیگران با داده‌های سیاست خارجی و مطلوب یا نامطلوب بودن رفتارهای بازیگران مختلف سیاست بین‌المللی است. گاهی سیاست‌گذاران به صورت ناخودآگاه مطابق خواسته خود به اوضاع بین‌المللی نگاه می‌کنند نه آن گونه که واقعیت دارد.

- ساختار نظام بین‌المللی

بدون تردید، ساختار نظام بین‌الملل به عنوان بخشی از بستر اعمال سیاست خارجی کشورها، محدودیت‌ها یا فرصت‌هایی برای سیاست‌گذاری خارجی دولت‌ها به وجود می‌آورد. در یک نظام دو قطبی، فقط کشورهایی که خواستار همکاری و اتحاد درون‌بلوکی هستند، از سوی یکی از قطب‌های قدرت، مورد حمایت کامل قرار می‌گیرند؛ اما در یک نظام چندقطبی متکثر، ائتلاف کشورها مستلزم جلب نظر قطب‌های متعدد قدرت است. پس از فراهم شدن عوامل تشکیل‌دهنده اتحاد و ائتلاف میان دو یا چند کشور،¹ ممکن است انواع مختلفی از اتحادها مطابق زیر شکل بگیرد:

الف) اتحادهای طبیعی: اتحادهای طبیعی زمانی به وجود می‌آیند که دو یا چند کشور درباره یک موضوع، منافع مشترکی داشته باشند؛ اما چون منافع آنها به طور طبیعی از طریق یکدیگر تأمین می‌شود، کشورها لزومی نمی‌بینند خود را به طور رسمی به یکدیگر وابسته کنند. برای مثال، در جریان اشغال افغانستان توسط شوروی، میان ایران، پاکستان، آمریکا و برخی از قدرت‌های منطقه‌ای علیه شوروی در افغانستان نوعی اتحاد طبیعی وجود داشت.

1. در این باره، «استفان والت»، نظریه‌پرداز امریکایی حوزه اتحاد و ائتلاف‌سازی معتقد است یک متحد خوب باید چند ویژگی مهم داشته باشد: 1. قدرت؛ 2. موقعیت؛ 3. ثبات سیاسی؛ 4. محبوبیت؛ 5. انعطاف‌پذیری؛ 6. قدرت تأثیرگذاری.

ب) اتحادهای حفظ وضع موجود: این نوع اتحاد، زمانی به وجود می‌آید که دو یا چند کشور که منافعشان در حفظ وضع موجود است، علیه کشوری که دنبال تغییر وضع موجود است، با یکدیگر اتحادی را تشکیل دهند. برای نمونه، در جریان کنگره وین کشورهای انگلستان، پروس، اتریش و روسیه به دنبال تسلط نیافتن فرانسه بر اروپا بودند.

ج) اتحادهای تغییر وضع موجود: این نوع اتحاد، برخلاف اتحادهای حفظ وضع موجود است؛ یعنی دو یا چند کشور که منافعشان در تغییر وضع موجود است با هم اتحادی را تشکیل می‌دهند. که برای نمونه می‌توان به پیمان عدم تعرض میان شوروی و آلمان در سال 1939 اشاره کرد.

د) اتحادهای دو منظوری: در اتحادهای دو منظوری، کشوری که به دنبال حفظ وضع موجود است با کشوری متحد می‌شود که به دنبال تغییر وضع موجود است. در حقیقت، هدف کشور اول این است که از پیوستن کشور دوم به کشور دیگری که به دنبال تغییر وضع موجود است، جلوگیری کند (قوام، همان: 182-184).
با نگاهی به واقعیت‌های روابط بین‌الملل، به صورت واضح می‌توان ویژگی‌ها و مختصات الگوی مذکور را در سیاست خارجی برخی از کشورها تشخیص داد و ابعاد مختلف آن را تفکیک و تشریح کرد. پاکستان و عربستان سعودی دو بازیگر منطقه‌ای هستند که مناسبات دوجانبه آنها را به دلایلی که در ادامه ذکر خواهد شد، می‌توان با الگوی «اتحاد و ائتلاف» توصیف و تحلیل کرد.

2. بنیان‌های راهبردی در روابط پاکستان - عربستان

به نظر می‌رسد «عربستان ثروتمند» و «پاکستان قدرتمند» بهترین توصیف و دو پایه اصلی و راهبردی برای درک فلسفه روابط نزدیک و در هم تنیده پاکستان و عربستان از زمان تشکیل پاکستان هستند. نگاهی به جزئیات این معادله که بیشتر به یک معامله بُرد - بُرد شبیه است، ابعاد راهبردی آن را واضح‌تر نشان می‌دهد.

2/1. «ثروت» و توانمندی مالی عربستان

پاکستان خواهان پول و نفت است و سعودی‌ها تا کنون مقدار فراوانی از آن را برای این کشور فراهم کرده‌اند. اقتصاد سیاسی بسیار قدرتمند عربستان، به پایه‌ریزی یک پیوند مالی بنیادین میان دو کشور کمک کرده؛ به گونه‌ای که از سال 1960 تا کنون، پاکستان بیشترین کمک‌های دریافتی را به عنوان کشوری غیرعرب از عربستان دریافت کرده است. در بیست سال اخیر و پس از اعمال تحریم‌های امریکا علیه پاکستان، کشور عربستان روزانه 50 هزار بشکه نفت که ارزش تقریبی آن دو میلیارد دلار است، به پاکستان اهدا کرد. از اواسط دهه 1970، کارگران پاکستانی به تدریج به عربستان و کشورهای خلیج فارس عزیمت کردند و در زمان حاضر، حدود 1/5 میلیون پاکستانی در بخش‌های مختلف اقتصادی عربستان به کار مشغول هستند که گاهی درآمدهای ارسالی آنان به پاکستان، سالیانه به حدود چهار میلیارد دلار معادل 25 درصد بودجه سالانه این کشور می‌رسد. همچنین عربستان هر ساله کمک‌هایی به دولت پاکستان می‌کند که برخی گزارش‌ها حجم کنونی آن را حدود صد میلیون دلار برآورد می‌کنند. در مواردی نیز سعودی‌ها پیشنهاد فروش نفت را به صورت اقساطی و دارای تخفیف ویژه به پاکستان داده‌اند. علاوه بر این، باید حمایت مالی گسترده و سرمایه‌گذاری عربستان در صنایع راهبردی موشکی و هسته‌ای پاکستان را نیز به موارد گفته شده افزود (Ghitis, 2015).

2/2. «قدرت» و توانمندی نظامی پاکستان

با توجه به ضعف توان و مدیریت نظامی عربستان، بخش مهمی از امنیت ملی این کشور به قدرت نظامی پاکستان وابسته است و رهبران نظامی و سیاسی پاکستان علاقه زیادی به تجارت امنیت با خاندان ثروتمند سعودی نشان می‌دهند. عربستان نیز از لحاظ ساختار امنیتی، تا اندازه زیادی امنیت خود را وابسته به یک قدرت نظامی و متحد راهبردی بین‌المللی مانند امریکا تعریف کرده است. از این‌رو، به



نظر می‌رسد در حال حاضر آل سعود، ارتش وفادار پاکستان را یک ارتش اجاره‌ای و جایگزین حمایتی مناسبی برای خود به جای ارتش امریکا می‌داند. این وضعیت ممکن است به سطحی برسد که حاکمان سعودی، ادامه حیات سیاسی خاندان خود را از طریق ارتش پاکستان تضمین کنند (Pillalamarri, 2015).

مناسبات دفاعی - نظامی پاکستان و عربستان سابقه دیرینه‌ای دارد و به دهه 1970 می‌رسد. خلبانان نیروی هوایی پاکستان در سال 1969 در جنگی کوتاه علیه یمن جنوبی به عربستان سعودی کمک کردند و طی دهه‌های 1970 و 1980، بیش از 15 هزار نظامی پاکستانی نزدیک مرزهای عربستان با اردن و رژیم صهیونیستی مستقر شدند (Mohammad Ali, 2015). در سال 1991، در جریان جنگ اول خلیج فارس حدود 11 هزار نظامی پاکستانی برای حمایت از اماکن مقدس عربستان سعودی در برابر تهدید عراق، در آن کشور ساکن شدند. در برخی دوره‌ها، بسیاری از صاحب‌منصبان نظامی عربستان، در آموزشگاه‌های نظامی پاکستان آموزش دیدند و اکنون نیز بسیاری از افسران کارآموز عربستان در دانشکده‌های پاکستان در حال تحصیل هستند. همچنین مانورهای مشترک نظامی میان دو کشور به شکل مرتبی انجام شده و بازدید فرماندهان نظامی دو کشور از یکدیگر دست‌کم دو بار در سال انجام می‌شود. استفاده از نیروهای ویژه پاکستانی (SSG)¹ برای محافظت از اماکن مذهبی و خاندان سلطنتی و استفاده از مستشاران آموزشی ارتش پاکستان و کارشناسان اطلاعاتی این کشور برای اهداف خاص از خدمات نظامی دیگر پاکستان به آل سعود است.

عربستان کادر نظامی حرفه‌ای و ماهری ندارد و به همین دلیل، نیازمند تأمین آن از خارج است. در گذشته، این نیاز از مصر و اردن تأمین می‌شد؛ اما پس از مسئله فلسطین و اختلافاتی که در اثر طرح‌های سازش پیش آمد بهترین گزینه برای عربستان، استفاده از نیروهای نظامی پاکستان به جای افسران امریکایی

است.¹ افسران پاکستانی هم مسلمان هستند و هم آموزش‌هایشان را از افسران آمریکایی آموخته‌اند (مهتدی، 1393).

درک علل اعتماد عربستان به نیروهای امنیتی پاکستان چندان مشکل نیست. نیروهای امنیتی و نظامی پاکستان با رویکرد کاملاً تخصصی و حرفه‌ای در عربستان حضور می‌یابند و برخلاف روال جاری میان برخی کشورها، چندان به دنبال اعمال نفوذ و اثرگذاری سیاسی نیستند. علاوه بر این، به سبب مذهب مشترک مردم دو کشور، از نیروهای پاکستانی بدون مشکل خاصی برای تأمین امنیت داخلی و برقراری امنیت مراکز مذهبی عربستان نیز استفاده می‌شود.

شاید موارد ذکر شده بیشتر جنبه معامله‌گرانه داشته باشد؛ اما این معامله حدود 40 سال برای هر دو طرف سودمند بوده است. علاوه بر این، پاکستان و عربستان دلایل دیگری نیز برای دوستی عمیق با یکدیگر دارند. برای مثال، این دو کشور از منظر استراتژیک، برگ برنده و تغییردهنده برون منطقه‌ای بازی برای هم به شمار می‌روند و هر دو دولت از اهمیت نگهداری این برگ برنده برای روز مبادا به خوبی آگاهی دارند. حفظ روابط عمیق با پاکستان به پیشبرد بلندپروازی عربستان سعودی برای گسترش دامنه ایدئولوژی‌اش در آن سوی جهان عرب کمک می‌کند. همچنین عربستان سعودی، کشور پاکستان را یکی از اجزای حیاتی و مهم برنامه خود برای مهار ایران می‌داند. از دیدگاه سعودی‌ها، یکی از بهترین راه‌ها برای نامتوازن کردن ایران، تقویت یک رقیب سنی قدرتمند در مرز شرقی این کشور است (Blank, 2015). با این توصیف، بسترهای تاریخی لازم برای ایجاد یک اتحاد راهبردی بین دولت‌های نواز و سلمان فراهم است و دلایلی مانند نیاز متقابل، بسترهای تاریخی- فرهنگی، ارزش‌ها و اعتقادات و داشتن قدرت اتمی پاکستان از علل موجه اتحاد میان دو کشور محسوب می‌شود. به

1. دلیل استفاده نکردن عربستان از افسران آمریکایی، استناد به این حدیث پیامبر اسلام (ص) است که اگر دیدید کفار در جزیره‌العرب نازل شدند، آنها را بکشید. این شعار القاعده و نیروهای سلفی است. بنابراین عربستان نمی‌تواند نیروهای نظامی آمریکا را به‌طور آشکار وارد سرزمین وحی کند.

نظر می‌رسد اتحاد میان این دو کشور، ترکیبی هدفمند از «اتحادهای حفظ وضع موجود» برای منطقه خلیج فارس و شمال آفریقا (بحرین، یمن، مصر و...) و اتحادهای تغییر وضع موجود (در سوریه، عراق، لبنان و...) است.

3. نواز - سلمان به سوی «اتحاد راهبردی»

با توجه به شواهد زیر، عربستان در چارچوب سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای خود بعد از روی کار آمدن سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه جدید این کشور در سال 2015، تلاش گسترده‌ای انجام داد تا «شراکت راهبردی» عربستان و پاکستان که در ادوار گذشته تکوین یافته بود، به یک «ائتلاف و اتحاد راهبردی» فراگیر منجر شود. ورود ملک سلمان به عرصه قدرت در عربستان با بروز برخی تحولات منطقه‌ای و به دنبال آن، تغییر معنادار سیاست خارجی این کشور همراه بود. در این راستا، علاوه بر فعال‌تر و خشن‌تر شدن سیاست خارجی عربستان، تلاش‌های گسترده‌ای توسط حاکمان سعودی صورت گرفت تا اهداف و مطامع منطقه‌ای این کشور از طریق ائتلاف‌های سیاسی و نظامی چندگانه¹ پیگیری شود.

تعداد، محتوا و سطح دیدارهای سیاسی و نظامی صورت گرفته بین مقامات عالی‌رتبه پاکستان و عربستان نشان می‌دهد که اراده سیاسی لازم برای راهبردی کردن مناسبات دولت‌های سلمان و نواز شکل گرفته و گام‌های محکمی نیز در این مسیر برداشته شده است. در اوایل ژانویه 2014 (اواسط دی 1392)، نواز شریف طی یک سفر غیر رسمی در عربستان حضور یافت. در همان سال، راحیل شریف، فرمانده ارتش پاکستان نیز در نخستین سفر خارجی خود برای دیداری سه روزه به عربستان رفت و برای گسترش همکاری‌های نظامی دفاعی با پادشاه و فرمانده ارتش عربستان ملاقات کرد. در اوایل فوریه 2014، سعود الفیصل،

1. در رسانه‌های مختلف از ائتلاف‌های مثلی از جمله «عربستان، امارات و مصر»، «ترکیه، عربستان و پاکستان» و «عربستان، امارات و پاکستان» و... یاد شده است.

وزیر امور خارجه وقت و سلمان بن سلمان، معاون وزیر دفاع در رأس یک هیئت نظامی 17 نفره به اسلام‌آباد سفر کردند و با هم‌تایان خود، سرتاج عزیز و خواجه عاصف گفت‌وگوهای مفصلی داشتند. دو هفته بعد نیز سلمان بن عبدالعزیز که در آن مقطع، ولیعهد عربستان بود در سفر سه روزه خود در رأس هیئتی وارد پاکستان شد و در دیدار با ممنون حسین رئیس‌جمهور پاکستان، نواز شریف نخست‌وزیر، ژنرال راشد محمود رئیس کمیته ستاد مشترک ارتش و ژنرال راحیل شریف فرمانده ارتش پاکستان درباره چگونگی گسترش همکاری میان ریاض و اسلام‌آباد و همچنین همکاری‌های نظامی و دفاعی و عقد پیمان استراتژیک میان دو طرف به طور مفصل به بحث و تبادل نظر پرداخت. در این سفر اعلام شد که به درخواست عربستان، «تجدید امضای توافق‌نامه شراکت راهبردی» میان دو کشور صورت می‌گیرد و براساس آن، پاکستان همه توانمندی‌ها و قدرت نظامی خود را برای محافظت از عربستان در برابر هرگونه تهدید و خطر احتمالی علیه این کشور ارائه می‌دهد. توافق‌نامه شراکت راهبردی میان دو کشور در دوره ژنرال ضیاءالحق، در اوایل دهه هشتاد میلادی امضا و در دوره مشرف نیز تمدید شد؛ اما عربستان بار دیگر خواهان احیای آن و توسعه زمینه‌های اتحاد راهبردی میان دو کشور است.

به طور معمول در عرصه روابط بین‌الملل، متوسل شدن یک کشور به دیپلماسی فشرده در سطوح عالی در قبال یکی از شرکا و متحدین سیاسی خود، حاکی از این است که یک یا چندین خواسته مشخص از زمامداران آن کشور دارد؛ اما این خواسته‌ها با ملاحظه، مخالفت یا اکراه آنها مواجه شده است و کشور مذکور تمایلی به همکاری ندارد. بدون تردید، تحرکات دیپلماتیک عربستان با پاکستان نیز دربرگیرنده مطالباتی از طرف سعودی است که پاکستان برای برآورده کردن آن ملاحظاتی دارد و به راحتی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به آن تن دهد. در این شرایط، دیدارهای دیپلماتیک عربستان تا اندازه‌ای تکرار و امتیازات مختلفی پیشنهاد



می‌شود تا در نهایت، پاکستانی‌ها با این کشور همراه شوند.

در اوایل مارس 2015، نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان به دعوت ویژه سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه جدید عربستان به این کشور سفر کرد و مورد استقبال معنادار پادشاه قرار گرفت. در این سفر، پادشاه و همه مقامات کابینه دولت سعودی در فرودگاه از نواز شریف استقبال کردند؛ در حالی که پادشاه سعودی تنها برای استقبال از میهمانان برجسته به فرودگاه می‌رود و این نشانه‌ای از اهمیت بی‌سابقه این دیدار است. در واقع، استقبال ویژه سلمان بن عبدالعزيز از نواز شریف به علت درخواست‌های ویژه‌ای است که حاکمان آل سعود از پاکستان دارند. نواز شریف در این سفر، عبارات صریح و مهمی را عنوان کرد. به گفته وی، «در دوران پادشاهی سلمان بن عبدالعزيز، روابط اسلام‌آباد و ریاض به اوج خود می‌رسد و دو کشور موفقیت‌های مشترک زیادی را تجربه خواهند کرد» (خبرگزاری فارس، 1393). در اواسط ژانویه 2015، نواز شریف پس از نشست با محمد بن سلمان، جانشین ولیعهد و وزیر دفاع عربستان در سفر خود به پاکستان تأکید کرد: «ملت پاکستان در کنار ملت عربستان علیه هر تهدیدی که حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور را تهدید کند، همواره خواهد ایستاد» (سایت دیپلماسی ایرانی، 1394).

با این اوصاف، شکل دادن به یک «اتحاد راهبردی» میان عربستان و پاکستان با مختصات و ویژگی‌های جدید، ارزش و اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. ابعاد و آثار چنین اتحادی در شرایط کنونی، فراتر از مناسبات دوجانبه است و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند پاکستان را در جبهه عربستان قرار دهد. در آن حالت، ممکن است بخشی از ظرفیت انسانی و نظامی پاکستان در بحران‌های سوریه، یمن، عراق و... به نفع عربستان درگیر شود و عناصر تأسیسی و اولیه چنین اتحادی تقریباً فراهم است. عربستان و پاکستان، در زمره کشورهای بزرگ اسلامی و از ارکان جهان اهل سنت هستند. همچنین هر دو عضو سازمان کنفرانس اسلامی بودند و در برخی مقاطع، حمایت‌های سرنوشت‌سازی از یکدیگر داشتند.

عقبه و دیگر شرایط لازم برای عملیاتی شدن چنین الگویی در روابط دوجانبه، در یک بستر تاریخی و چند لایه ریشه دارد. پس از استقلال پاکستان در سال 1947، عربستان از اولین کشورهای اسلامی بود که این کشور را به رسمیت شناخت و در جنگ سال 1971، پاکستان و هند نیز با تجزیه پاکستان مخالفت کرد. این کشور در مقاطع مختلف بارها در معادلات و ساختار سیاسی پاکستان نقش میانجی و منجی را ایفا کرده است؛ تا جایی که امروز برخی از سیاستمداران پاکستانی از جمله نواز شریف، زندگی خود را مدیون وساطت‌های عربستان هستند. در اواخر دهه 1990 که پاکستان به علت آزمایشات هسته‌ای با تحریم شدیدی مواجه شد، عربستان به یاری این کشور شتافت و دوستی عمیق خود را به اثبات رساند. عربستان از معدود کشورهای بود که در سال 1998 از آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان حمایت کرد و بعدها در حمایت از طالبان افغان نیز در کنار این کشور قرار گرفت. در چنین فضایی، حاکمان و مردم پاکستان همواره خود را مدیون و مرهون مساعدت‌های عربستان می‌دانستند و به این صورت پیش از هر چیزی بسترهای روانی، عاطفی و علایق شکل‌گیری اتحاد راهبردی میان دو کشور فراهم بوده است.

4. علایق و منافع مشترک دولت‌های نواز - سلمان

علاوه بر بنیان‌های راهبردی موجود در روابط عربستان و پاکستان که فارغ از دولت‌های حاکم به عنوان عناصر ثابت مناسبات دوجانبه عمل می‌کنند، برخی منافع مشترک و علایق همسو نیز به طور خاص در حوزه‌های مختلف میان دولت‌های نواز شریف و ملک سلمان وجود دارد که تا کنون توانسته است زیربنای یک اتحاد راهبردی را پی‌ریزی کند. برخی از آنها عبارتند از:



4/1. تلاش عربستان برای راه‌اندازی و رهبری بلوک سیاسی-امنیتی متحد

در وضعیتی که تعارضات هویتی-ایدئولوژیک و تخاصم سیاسی و امنیتی عربستان با جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فعال شده است، حاکمان آل سعود در پی تشکیل یک بلوک نظامی و امنیتی متحد علیه محور مقاومت هستند. در حال حاضر که کشورهای تاریخ‌ساز عربی از جمله مصر، سوریه، عراق و... با بحران و ناآرامی دست و پنجه نرم می‌کنند، شرایط برای قدرت‌نمایی و نمایش عربی‌گرایی آل سعود که ضعیف‌ترین عقبه تاریخی و فرهنگی را در دنیای عرب و جهان اسلام دارد، به صورت کامل مهیا شده است. از این رو، عربستان برای خلق یک سازه هویتی و معنایی جدید برای خود به عنوان بازیگری هژمون که محور ائتلاف‌های متعدد سیاسی و نظامی و یک نیروی امنیت‌ساز است، درصدد بهره‌گیری از دو قدرت منطقه‌ای غیر عرب یعنی ترکیه و پاکستان برای کسب رهبری اعراب و کشورهای اسلامی به‌ویژه در رقابت با محور مقاومت و همسویی با رژیم صهیونیستی است. توان و امکانات نظامی و امنیتی پاکستان بخش زیادی از نیروهای لازم برای این هدف را در اختیار عربستان قرار می‌دهد. دولت نواز شریف نیز از طریق همراهی با عربستان، ضمن ارتقای موقعیت خود در جهان عرب و دنیای اسلام از مزایای اقتصادی، مالی و مادی این همراهی بسیار بهره‌مند می‌شود.

4/2. تبلیغ و تثبیت ام‌القرایی عربستان در جهان اسلام

اهداف سیاست خارجی عربستان در پاکستان اغلب با داعیه مرکزیت دینی این کشور نسبت به جهان اسلام به‌ویژه دنیای اهل سنت درمی‌آمیزد. داعیه ام‌القرای جهان اسلام بودن از سوی عربستان سعودی عاملی تأثیرگذار در سیاست خارجی این کشور نسبت به کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. بنابراین، یکی از اهداف روابط دیپلماتیک عربستان با پاکستان، مخالفت با هر نوع مرکزیت دینی دیگر در

جهان اسلام است. از لحاظ تاریخی، مردم و دولت پاکستان پس از چین، کشور عربستان را صمیمی‌ترین دوست خود تلقی می‌کنند که ریشه این دلبستگی، بیش از منافع اقتصادی به علل مذهبی یعنی وجود مکه مکرمه، مدینه منوره، قبور معصومین (ع) و شهدای صدر اسلام گره خورده است. از سوی دیگر، پس از روی کار آمدن نواز شریف، احزاب و گروه‌های مذهبی پاکستان که یکی از پایدارترین منافذ و مجاری اعمال نظر عربستان و تبعیت از این کشور به عنوان ام‌القرای اسلامی محسوب می‌شوند، دوباره نفوذ و قدرت مانور خود را در این کشور احیا کردند و با راه‌های مختلف قادر هستند به سیاست‌های دولت نواز شریف شکل دهند. حزب مسلم‌لیگ شاخه نواز شریف نیز که تا حدودی دارای گرایش دینی است، با احزاب مذهبی و نزدیک به ایدئولوژی عربستان هماهنگ‌تر است و در مواقعی که ملاحظات سیاسی رهبران این حزب اقتضا کند، می‌تواند به سمت عربستان گرایش نشان دهد.

4/3. پیوندهای فردی - خاندانی نواز شریف با آل سعود

بر کسی پوشیده نیست که نواز شریف، نخست‌وزیر سابق پاکستان زندگی خود را مدیون عربستان سعودی است. وی در 10 دسامبر 2000، در پی کودتای ژنرال مشرف در حالی که با خطر مجازات مرگ مواجه بود، به همراه خانواده و برادرش، شهباز شریف برای ده سال به شهر جدّه عربستان تبعید شد. نواز شریف سال‌ها در عربستان بود و این کشور مبلغ زیادی برای مساعدت مالی و سرمایه‌گذاری در مجتمع تولید فولاد عربستان در اختیارش قرار داد. براساس شواهد و فارغ از تعاملات رسمی دیپلماتیک، نوعی رابطه مرید و مرادی در روش و منش سیاسی و اعتقادی میان خاندان نواز شریف و حاکمان سعودی وجود داشت که اکنون نیز ادامه دارد. همچنین، در رابطه با پیوندهای دو خاندان شریف و سعودی مشهور است که نواز شریف با ازدواج دخترش با یکی از نوادگان ملک فهد به یکی از اعضای



خانواده سلطنتی سعودی تبدیل شده است (Jonah Blank, 2015).

4/4. قرابت نسبی سیاست‌های دو کشور در برابر بحران سوریه

در فوریه 2014 و در سفر ملک سلمان به پاکستان و رایزنی وی با مقامات پاکستانی، اسلام‌آباد ضمن همسویی با موضع ریاض در برابر سوریه، خواهان کنار رفتن دولت بشار اسد شد. این موضوع در دیدار نواز شریف با ملک سلمان، ولیعهد وقت عربستان اعلام شد و دو طرف پس از این دیدار، در بیانیه مشترکی خواهان تشکیل یک دولت انتقالی در سوریه شدند. پیش از این، اسلام‌آباد موضع بی‌طرفی را در برابر مسئله سوریه اتخاذ کرده بود؛ اما سرانجام رفت‌وآمدهای مقامات سعودی به پاکستان موجب همسویی اسلام‌آباد با ریاض در این باره شد. چندی بعد، این مواضع، به دلیل برخی ملاحظات منطقه‌ای پاکستان و ناکامی تروریست‌های سوری در ساقط کردن دولت سوریه توسط مقامات پاکستانی تعدیل شد؛ اما همچنان گاهی اخباری مبنی بر ارسال برخی از تسلیحات، اعزام جنگجو و حتی آموزش مخالفین مسلح سوری توسط نهادهای امنیتی پاکستان منتشر می‌شود.

4/5. همسویی در برابر افغانستان

عربستان از زمان جهاد افغانستان علیه شوروی در سال 1980 همواره در کنار سیاست‌های به اصطلاح جهادگرایانه ارتش پاکستان در منطقه جنوب آسیا قرار داشت. این هماهنگی و همسویی در زمان حاکمیت طالبان در افغانستان به اوج خود رسید و امروز نیز عربستان علاوه بر تشدید و تعمیق فعالیت‌های فرهنگی و زیرساختی خود در افغانستان، با اعتماد به ارتش پاکستان، از سیاست‌های افغانستانی این نهاد نظامی حمایت می‌کند. همچنین دولت نواز شریف به سبب پیوندهای سنتی با کانون‌های مذهبی و افراط‌گرا با رویکرد مذهبی عربستان در افغانستان و تعامل با گروه‌های افراط‌گرا همراهی می‌کند.

4/6. منافع تجاری- اقتصادی مشترک

نواز شریف یک سیاستمدار تاجرپیشه است و روحیات تاجر مسلکی وی باعث می‌شود دولت او سیاست‌هایش را در برابر دریافت مالی و اقتصادی از عربستان تعدیل و راه را برای همکاری راهبردی هموارتر کند. طی چهار دهه گذشته، پادشاه سعودی چندین میلیارد دلار به صورت نقدی، اعتباری و نفت ارزان به پاکستان کمک کرده است. همچنین اواسط مارس 2014، یک کمک 1/5 میلیون دلاری از سوی عربستان به دولت نواز شریف صورت گرفت که «هدیه برای مردم پاکستان» نامیده شد (سایت شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، 1392). طبق اعلام بانک دولتی پاکستان، در این مدت 1/5 میلیون نیروی کار پاکستانی مقیم عربستان از جولای تا دسامبر 2013، حدود 2/2 میلیارد دلار ارز وارد پاکستان کردند که این عدد در سال 2012 حدود 1/96 میلیارد دلار بوده است (خبرگزاری فارس، 1392).

4/7. حمایت‌های نظامی-امنیتی دولت نواز شریف از آل سعود

براساس شواهد، روابط امنیتی و نظامی کنونی عربستان و پاکستان در سطح مطلوبی قرار دارد. در سامانه امنیتی غرب آسیا (خاورمیانه)، عربستان از کشورهایی است که بیشتر یک ساختار نظامی و امنیتی وابسته دارد و بسیاری از همکاری‌های امنیتی دوجانبه این کشور و پاکستان هم به طور غیر رسمی و پنهان انجام می‌شود. از این رو، در دولت قبلی پاکستان، غالباً دیدار مقامات پاکستان از عربستان و در سطوح پایین صورت می‌گرفت؛ اما این روند در دوره نواز شریف، معکوس شد و مقامات بلندپایه سعودی به دیدار دولتمردان پاکستان شتافتند. با توجه به همین وضعیت، همکاری دوجانبه امنیتی و سیاسی عربستان و پاکستان در دوره نواز شریف در سطوح عالی ادامه پیدا می‌کند و به طور قابل ملاحظه‌ای از «جزیی‌ترین اقدامات تا طرح‌های کلان» تسری می‌یابد. در دوره نواز شریف، علاوه بر این که عربستان از ارتش پاکستان خواست 30 هزار نظامی خود را در



خاک عربستان مستقر کند، در زمینه خرید تجهیزات و ادوات نظامی و اجرای پروژه‌های مشترک تولیدات دفاعی نیز توافق‌هایی صورت گرفته است.

4/8. بهره‌گیری عربستان از سلاح هسته‌ای و موشکی پاکستان

به طور معمول، در مورد استراتژی عربستان سعودی در مواجهه با تسلیحات هسته‌ای، از سه راهبرد دستیابی به توان هسته‌ای، داشتن یک متحد و حامی قدرتمند هسته‌ای و تلاش برای تحقق خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای بحث شده است. در این میان، عربستان بر راهبرد به دست آوردن یک متحد هسته‌ای یعنی پاکستان تمرکز کرده (Weinbaum, 2015) و به دلایل راهبردی و برخی رقابت‌های منطقه‌ای، همواره به دنبال سلاح هسته‌ای پاکستان و موشک‌های بالستیک این کشور بوده است.¹

عربستان سعودی با نفوذ اقتصادی گسترده خود، امکان فراهم آوردن تسلیحات هسته‌ای از پاکستان را دارد² و در این میان، باید محدودیت‌های سیاسی و دیپلماتیک از جمله مخالفت بین‌المللی را در نظر گرفت. گفته می‌شود عربستان سعودی 60 درصد هزینه برنامه هسته‌ای پاکستان را برعهده گرفته است تا در صورت نیاز بتواند در مدت کوتاهی کلاهک‌های هسته‌ای از این کشور دریافت کند (Coughlin, 2015). در اواخر سال 1385، برخی از رسانه‌ها³ اعلام کردند که پاکستان فناوری

1. از سال 1394، بیش از صدها مهندس عربستانی با اطلاع آمریکا و برخی از کشورهای غربی در نیروگاه هسته‌ای- تحقیقاتی کاهوتا پاکستان در حال آموزش هستند. همچنین توافق‌نامه خرید تعدادی کلاهک هسته‌ای در جریان سفر فوریه 2014 ملک سلمان، ولیعهد وقت عربستان به اسلام‌آباد امضا شد و رئیس ارتش پاکستان به صورت شخصی بر انتقال این کلاهک‌ها نظارت و با آن همراهی کرد. وی همچنین در جریان نمایش این کلاهک‌ها در جایگاه ویژه رزمایش عربستان حضور داشت. پس از این که موساد و سیا از این معامله اطلاع پیدا کردند، عربستان و پاکستان را تحت فشار قرار دادند که از چنین معامله‌ای صرف نظر کنند؛ اما عربستان به اسرائیل و آمریکا تضمین داد که هرگز از این سلاح‌ها علیه اسرائیل یا دیگر متحدان آمریکا استفاده نخواهد کرد. همچنین مقرر شد تیمی از مستشاران نظامی آمریکا پیوسته بر این سلاح‌ها نظارت دائم داشته باشند (جزئیات جلسه سری هسته‌ای عربستان با اطلاع موساد و سیا، خبرگزاری فارس، 27 اردیبهشت 1393).

2. سایت دیپلماسی ایرانی، «ملک سلمان به دنبال احیای همکاری اتمی با پاکستان است»، 26 بهمن 93، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1944322>

3. در تاریخ 1385/11/28، برخی از سایت‌های اینترنتی ایرانی این خبر را به نقل از روزنامه «هندوستان

هسته‌ای در اختیار عربستان سعودی قرار می‌دهد. در آن زمان گفته شد پرویز مشرف، رئیس‌جمهور پاکستان در جریان دیدار از عربستان، هفت موافقت‌نامه سری با مسئولان این کشور امضا کرد که متضمن تجهیز عربستان به فناوری هسته‌ای پاکستان در صورت بروز هر گونه وضعیت اضطراری هسته‌ای بود. این توافق موضوع تجهیز ریاض به برخی موشک‌ها توسط اسلام‌آباد را نیز در بر می‌گرفت.¹

4/9. ارتقای موقعیت و اعتبار پاکستان در جهان اسلام

دولت نواز شریف امیدوار است در سایه راهبردی کردن روابط با عربستان، علاوه بر دریافت وجوه نقد و انرژی فسیلی ارزان یا رایگان از عربستان، اعتبار خود را در جهان اسلام نیز افزایش دهد. پاکستان با یک هویت مسلمان - و نه لزوماً اسلامی - پایه‌گذاری شد و مهم‌ترین دوره اسلامی‌سازی آن از سال 1977 تا سال 1988 و در دوران تصدی ژنرال ضیاءالحق بود؛ دورانی که با شکوفایی روابط میان پاکستان و عربستان سعودی مقارن شد. امروز دولت نواز شریف به خوبی آگاه است که ارتقای نقش و جایگاه سیاسی - مذهبی پاکستان در جهان اسلام به حمایت و تأیید رهبران عربستان نیز نیازمند است (Blank, 2015).

5. موانع و محدودیت‌های فراروی نواز - سلمان

اهداف و منافع مشترک دولت‌های نواز و سلمان، بستر کاملاً آماده‌ای را برای تحقق اتحاد و ائتلاف راهبردی پاکستان و عربستان در مقطع کنونی فراهم کرده است؛ اما این اتحاد در برخورد با برخی واقعیات و ملاحظات با موانع جدی زیر مواجه شده است:

تایمز» چاپ هند منعکس کردند.

1. در اواخر اردیبهشت 1393، سعودی‌ها در جریان یک رژه نظامی، برای نخستین بار موشک‌های بالستیک خود را با بُرد سه هزار کیلومتر به نمایش گذاشتند. از مهم‌ترین مقامات خارجی حاضر در این رژه، می‌توان به رئیس ستاد ارتش پاکستان اشاره کرد.

5/1. ملاحظات ملی ارتش پاکستان

یکی از موانع اصلی و بسیار مهمی که شکل‌گیری کامل و سریع اتحاد راهبردی عربستان و پاکستان را در دوره نواز- سلمان به‌ویژه در موضوع یمن و تشکیل بلوک ضد ایرانی با تأخیر و نقصان مواجه کرده، «ارتش» پاکستان است. اگرچه همکاری‌های نظامی و امنیتی در چند دهه اخیر، یکی از ارکان شراکت راهبردی پاکستان- عربستان بوده، رویکرد ارتش پاکستان در این زمینه مطلق نیست و در بیشتر مقاطع از برخی ملاحظات تبعیت کرده است؛ حتی نوع روابط ارتش با دولت نواز شریف به عنوان یک موضوع داخلی پاکستان نیز بر ماهیت مناسبات این کشور با عربستان به صورت کامل تأثیرگذار است. تنش در روابط ارتش و دولت نواز، مناسبات ارتش پاکستان با عربستان را نیز مختل می‌سازد و به نظر می‌رسد این نهاد بسیار قدرتمند در پاکستان، از نوعی رویکرد محتاطانه نسبت به برخی رفتارهای منطقه‌ای عربستان برخوردار باشد.

5/2. فقدان درک مشترک عربستان - پاکستان از تهدیدات منطقه‌ای

در میان حاکمان عربستان و پاکستان، درک مشابه و مشترکی از برخی تهدیدهای منطقه‌ای وجود ندارد. حاکمان عربستان، حمله به یمن و جنگ داخلی سوریه را تهدیدی فوری علیه منافع کشورهای اسلامی تعریف می‌کنند؛ اما این موضوعات برای پاکستان از فوریت و اهمیت بالایی برخوردار نیست. بدون تردید، پاکستان در حوزه داخلی خود مراقب این موضوع است که انتقال رقابت کشورهای دیگر به محیط داخلی‌اش، موجب افزایش شکنندگی وضعیت داخلی کشورش نشود (بهرامی، 1393).

5/3. حضور جمعیت قدرتمند شیعه در پاکستان

شیعیان حدود 20 درصد از جمعیت پاکستان را تشکیل می‌دهند که در معادلات ملی و داخلی هیچ حزب و دولتی در این کشور نادیده گرفته نمی‌شوند. «اگر

شرایطی پیش بیاید که پاکستان مجبور باشد میان ایران و عربستان یکی را انتخاب کند، به شکل طبیعی و از لحاظ ایدئولوژیک، عربستان را انتخاب می‌کند؛ اما جمعیت زیاد شیعیان در این کشور، رهبران پاکستان را مجبور می‌کند که نگاه واقع‌بینانه‌تری نسبت به این موضوع اتخاذ کنند.¹

5/4. ناهمسانی منافع طرفین در ائتلاف‌های نظامی - منطقه‌ای (حمله عربستان به یمن)
بحران یمن یکی از مهم‌ترین محرک‌های راهبردی شدن همکاری دولت‌های سلمان و نواز محسوب می‌شد و عربستان نیز برای تشکیل و تثبیت بلوک سیاسی- نظامی ضد محور مقاومت، به شدت به ورود پاکستان به جنگ یمن دل بسته بود؛ اما در نهایت، نتیجه به سمتی جز مسئله مورد انتظار عربستان پیش رفت. پس از ابراز تمایل دولت نواز شریف به همراهی با عربستان در جنگ یمن، به استثنای حزب حاکم (حزب مسلم لیگ نواز) و گروه‌های تکفیری مانند سپاه صحابه، لشکر جهنگوی و...، بیشتر جریان‌های سیاسی از جمله حزب مردم، حزب عوامی تحریک عمران خان، احزاب اسلامی و افکار عمومی به شدت دولت را تحت فشار قرار دادند که نباید وارد جبهه‌ای شود که جنگ پاکستان نیست. افکار عمومی و رسانه‌ها معتقد بودند که مردم پاکستان نباید تاوان تندروی عربستان را بپردازند. از این رو، نواز شریف چاره‌ای جز این نداشت که موضوع را به پارلمان ارجاع دهد و مجلس نیز به‌رغم اعلام آمادگی و تمایل دولت نواز شریف برای اعزام نیرو به عربستان،² در 10 آوریل 2015 به دخالت نکردن پاکستان در اعزام نیرو و اقدام

1. گفته می‌شود در اوایل حمله نظامی عربستان به یمن، ملک سلمان نگاه امیدوارانه‌ای به کمک‌های پاکستان داشت. عربستان از پاکستان تقاضای یک واحد نظامی کرده بود که کاملاً از اهل تسنن و بدون شیعه باشد. این موضوع در پاکستان مورد انتقاد قرار گرفت؛ زیرا آنها معمولاً چنین تفکیکی در مسائل نظامی و اداری ندارند.

2. محمد بن سلمان آل سعود، وزیر دفاع عربستان یک هفته پیش از آغاز عملیات نظامی علیه یمن در دیدار با نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان در ریاض پیشنهاد کمک‌های مالی به پاکستان را در مقابل مشارکت این کشور در حمله به یمن مطرح کرد. به گفته برخی منابع، بن سلمان دستور واریز مبلغ 52 هزار و 500 ریال سعودی (15 هزار دلار) را به حساب نواز شریف در شعبه اصلی بانک سرمایه‌گذاری جده صادر کرد و خواستار اعزام افسران برگزیده ارتش پاکستان به عربستان برای



نظامی علیه یمن رأی داد. با این حال، پاکستان کمک‌های مستشاری، درمانی، بهداشتی و لجستیکی را رد نکرده است. براساس شنیده‌ها، پاکستان در آن زمان اعلام کرد اگر عربستان و اماکن مذهبی تهدید شوند، در کنار عربستان خواهد بود. بدون تردید، بی‌رغبتی ارتش در همراهی نواز شریف در حمایت از حمله عربستان به یمن در این تصمیم پارلمان بسیار مؤثر بود؛ زیرا اگر ارتش تمایلی به نفع عربستان داشت، به قطع‌نامه اخیر توجهی نمی‌کرد و وارد بحران می‌شد. تصمیم صادر شده از سوی پارلمان پاکستان بدون این که نشانه رویگردانی کامل از حامی قدیمی باشد، نشان می‌دهد که چشم‌انداز استراتژیک اسلام‌آباد در حال تحول است (nationalinterest, 2015).

5/5. تضاد منافع عربستان و پاکستان در تقویت افراط‌گرایی و تکفیر در جنوب آسیا
تقویت افراط‌گرایی در پاکستان و افغانستان می‌تواند منبع عظیم تأمین نیروی انسانی تروریست‌ها در سوریه، عراق و ... برای عربستان باشد و از این طریق، جنگ گسترده‌تری علیه منافع منطقه‌ای جریان مقاومت سازماندهی شود؛ اما این امر در بلندمدت با منافع ملی پاکستان در تضاد است و موجب تعمیق بحران در این کشورها می‌شود.

6. تبعات اتحاد راهبردی نواز - سلمان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
ارتش کشور پاکستان به سبب ملاحظات راهبردی تلاش می‌کند نقش کمتر و پوشیده‌تری را در طرح‌های ضد ایرانی عربستان در منطقه برعهده گیرد؛ اما تثبیت تعاملات راهبردی دولت‌های نواز و ملک سلمان یا جانشینانش در سطوح عالی،

مشورت با فرماندهان اتاق‌های عملیات سعودی شد. همچنین عربستان به پاس حمایت پاکستان از دستور کار عربستان در منطقه، یک قصر به مساحت چهار هزار متر مربع در اطراف ریاض به نواز شریف بخشید. همچنین گفته می‌شود که نواز شریف در مقابل مشارکت رسمی کشورش در حمله زمینی به یمن بسته کمک‌های مالی 700 میلیون دلاری دریافت کرد و در تماس تلفنی با ملک سلمان، پادشاه عربستان به وی وعده داد که ریاض از کمک همه‌جانبه ارتش این کشور برخوردار خواهد شد.

پیامدهای خواسته و ناخواسته‌ای بر شرایط امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بر جای خواهد گذاشت که برخی از آنها به شرح زیر است:

6/1. تغییر توازن قوای منطقه‌ای

عربستان علاوه بر خصومت‌های ایدئولوژیک با شیعه، همواره از توان موشکی و هسته‌ای شدن ایران در هراس بوده؛ از این رو همواره بر مهار ایران حتی با نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی تأکید کرده است. این کشور از تبدیل شدن ایران به یک قدرت هسته‌ای به شدت نگران است و تصور می‌کند این مسئله به کاهش نفوذش در منطقه می‌انجامد. پاکستان تنها کشور اسلامی دارای سلاح هسته‌ای محسوب می‌شود که عربستان چشم طمع به همکاری با آن برای رقابت با جمهوری اسلامی ایران دوخته است. اگر عربستان به عنوان مهم‌ترین حامی تروریسم تکفیری از طریق پاکستان به سلاح اتمی یا هر نوع تسلیحات متعارف دیگر برای استفاده در منازعات منطقه‌ای دست یابد، توازن قوا در خاورمیانه به نفع آن کشور و علیه جمهوری اسلامی ایران و متحدانش تغییر خواهد کرد.

6/2. ایجاد محور عربستان، پاکستان و داعش

با استناد به تحولات دهه 1990 در افغانستان باید گفت جمهوری اسلامی ایران از شکل‌گیری مثلث عربستان، پاکستان و طالبان در حوزه شرقی خود ضربه خورده است. عربستان سعودی نسبت به خلأ قدرت ناشی از خروج نیروهای خارجی در افغانستان بعد از سال 2017 به شدت نگران است که مبدا بعد از کاهش حضور امریکا، اتفاقات عراق در افغانستان نیز رخ دهد و ایران جای امریکا را پر کند. بنابراین آل سعود می‌کوشد بار دیگر با محوریت پاکستان، جبهه‌ای متضاد با ایران متشکل از پاکستان و داعش در منطقه ایجاد کند و برای رسیدن به این هدف به سراغ پاکستان، هم‌پیمان سنتی خود رفته است تا آن را به نقطه ثقل متحدان خود



در منطقه تبدیل کند.

6/3. تقویت «تروریسم تکفیری» برای جنگ با متحدان ج.ا.ایران

هم‌زمان با سفر سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان به پاکستان، اخباری مبنی بر آموزش ارتش برون‌مرزی سعودی‌ها در پاکستان منتشر شد که حاکی از «دیپلماسی پنهان» سعودی در اسلام‌آباد است. بر این اساس، پاکستان با درخواست عربستان برای آموزش هزاران نیروی گروه ارتش اسلام که همراه دیگر گروه‌های مسلح در سوریه با دولت اسد می‌جنگد، موافقت کرد و قرار شد از این نیروها حمایت تسلیحاتی کند. عربستان در برابر این خدمت پاکستان، میلیارد‌ها دلار به بخش‌های اقتصادی این کشور تزریق خواهد کرد.

شکست‌های میدانی تروریست‌ها در سوریه و عراق باعث تلاش آل سعود برای تغییر معادله نظامی از طریق نیروها و تسلیحات جدید در میدان جنگ سوریه شده است. پس از نزدیک‌تر شدن مواضع سیاسی عربستان و پاکستان در برابر بحران سوریه، ممکن است فضای امنیتی برای جذب، آموزش، تجهیز و سازماندهی افراط‌گرایان پاکستانی و اعزام بیش از پیش آنها به سوریه گشایش بیشتری یابد. براساس تأکید رسانه‌های بین‌المللی، عربستان در حال رایزنی با اسلام‌آباد است تا مخالفان سوری را به راکت‌های ضد تانک و موشک‌های حرارتی ضد هواپیما مجهز کند. هم‌زمان با گمانه‌زنی‌های مذکور، در رسانه‌ها اعلام شد یک کشتی باری در تاریخ دهم اسفند 1392، حدود 70 تن سلاح پاکستانی را در بندر عقبه اردن تخلیه کرده است که به نظر می‌رسد بخشی از توافقات عربستان و پاکستان باشد.

6/4. تغییر سیاست‌های منطقه‌ای پاکستان

ملک سلمان، پادشاه جدید سعودی در حال ایجاد آرایشی جدید در منطقه و



بلوکی از میان کشورهای حوزه خلیج فارس، ترکیه، پاکستان، مصر، اردن و... برای افزایش فشار بر محور مقاومت و مقابله است و پاکستان یکی از مهم‌ترین اعضای این بلوک محسوب می‌شود. اقدام عربستان در تشکیل ائتلاف نظامی علیه یمن، هماهنگی و هدایت جبهه ضد سوری در منطقه و اعلام موجودیت ائتلاف اسلامی به اصطلاح ضد داعش، نمونه‌های بارزی در این راستا هستند. از لحاظ تاریخی، اشتراکات و همسویی ایران و پاکستان در موضوعات کلان جهان اسلام، بیش از نقاط افتراق آنها بوده است. با این حال، اگر تلاش‌های عربستان در ایجاد رویارویی میان ایران و پاکستان موفق شود، وضعیت منطقه برای جمهوری اسلامی ایران چالش‌زا خواهد شد. به دنبال رایزنی‌های ولیعهد عربستان با مقامات پاکستانی، این کشور تقریباً از ادامه همکاری در خط لوله صلح کنار کشیده و اسلام‌آباد نیز در برخی موارد، همسویی خود را با موضع ریاض در برابر سوریه اعلام کرده است.

بدون تردید، اگر پاکستان اراده کند، از ظرفیت بالایی برای کمک به عربستان برای رقابت هسته‌ای، ایدئولوژیکی، سیاسی، امنیتی و... با ایران برخوردار است؛ اما همراهی این کشور با عربستان در ضدیت با ایران در سطح راهبردی نیست، یعنی پاکستان مصلحت نمی‌داند در همان سطح و اندازه‌ای که عربستان با ایران خصومت دارد، با ایران درگیر شود. ارتش پاکستان از یک‌سو ایران را عقبه مطمئن خود در رویارویی با هند و دارای ارزش‌های تمدنی - سیاسی مشترک می‌داند؛ به همین دلیل، روابط حسنه با ایران برای آنها اهمیت راهبردی دارد. از سوی دیگر، عربستان را منبع تأمین نفت ارزان، کمک‌های مالی قابل توجه و چهار میلیارد دلار درآمد ارزی سالانه می‌پندارد. از این‌رو، از نظر ارتش و سرویس پاکستان (آی اس آی)، منافع این کشور در «ایجاد توازن» و «مدیریت» روابط با ایران و عربستان تأمین می‌شود؛ زیرا پاکستان می‌تواند با مدیریت روابط خود با این دو کشور، امتیازات و منافع بیشتری به دست آورد.



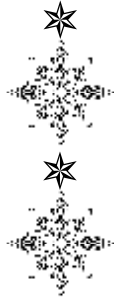
نتیجه‌گیری

مروری بر مجموعه تحولات سیاسی، نظامی و امنیتی منطقه غرب آسیا مقارن با روی کار آمدن دولت‌های نواز شریف و ملک سلمان به خوبی نشان می‌دهد که ماهیت تحولات، خواسته یا ناخواسته موجب تسریع و تعمیق همکاری‌های راهبردی عربستان و پاکستان شده است. همچنین علاوه بر نیازهای متقابل مالی و نظامی - امنیتی دو کشور که همواره در مقاطع و مناسبت‌های مختلف به عنوان پایه ثابت شراکت راهبردی طرفین بوده، از زمان روی کار آمدن دولت نواز شریف در سال 2013، تحولات بسیاری در منطقه رخ داده که همکاری‌های عربستان و پاکستان را وارد مرحله جدید و مهم‌تری کرده است. دولت ملک سلمان برای تحقق طرح‌های خود در مواجهه با وضعیت جدید امنیتی و سیاسی در حوزه عربی به حمایت و پشتیبانی نظامی، تسلیحاتی و عملیاتی دوستان سنتی خود نیازمند است. همچنین ادامه جنگ علیه یمن، سرکوب انقلاب بحرین و تجهیز مخالفان دولت سوریه نیز نیازمند تجمیع توان نظامی و انسانی متحدان عربستان در یک جبهه و بلوک متحد است. عربستان برای اجرای برنامه‌های خود از لحاظ عملیاتی پشوانه‌ای تخصصی، تسلیحاتی، نیروی انسانی حرفه‌ای و... می‌خواهد که همه این گزینه‌ها در ارتش پاکستان دیده می‌شود. علاوه بر این، از لحاظ سیاسی نیز در مجامع بین‌المللی محتاج حمایت سیاسی دولت نواز شریف است و به همین دلیل، با فشار بر این دولت بسیار تلاش کرد پاکستان را به رکن و محور اصلی این بلوک تبدیل کند. با توجه به آنچه درباره همراهی ناقص پاکستان در موضوع سوریه، عدم همراهی کامل این کشور در جنگ یمن و تأکید مکرر ارتش پاکستان بر مذاکره و روش‌های مسالمت‌آمیز در بحران‌های منطقه در سطور پیشین ذکر شد، این فرضیه در پژوهش حاضر تأیید می‌شود که انگیزه و محرک‌های گفته شده، علت اصلی اتحاد راهبردی نواز - سلمان بود؛ اما تحقق و تکمیل روند جبهه‌سازی عربستان با حضور پاکستان، ناکام مانده و به ثمر نرسیده



است. به این ترتیب، عربستان در ایجاد بلوک سیاسی - امنیتی متحد و یکپارچه ضد جریان مقاومت موفق عمل نکرده است. البته اقداماتی در این راستا انجام و گام‌های مهمی برداشته شده؛ اما این هدف کامل نشده است. در واقع، با واگذاری قدرت از ملک سلمان به فرزندش محمد بن سلمان، سیاست خارجی این شاه جوان و ماجراجو تندتر نیز خواهد شد. بنابراین نه تنها تلاش‌های دوجانبه برای تکمیل و تداوم اتحاد راهبردی عربستان با دولت نواز شریف استمرار می‌یابد، بلکه تشدید نیز خواهد شد.

در حالی که آل سعود می‌کوشد پاکستان را به عمق موضوعات مطرح در روابط ایران و عربستان سعودی بکشاند، حاکمان و ارتش پاکستان نیز تقریباً چهره قابل قبولی از خود به نمایش گذاشتند و مناسبات خود را با ایران و عربستان مدیریت کردند. مقامات پاکستانی معتقدند اسلام‌آباد از پتانسیل خوبی برای میانجی‌گری میان ایران و عربستان برخوردار است. روابط اسلام‌آباد - ریاض، متأثر از مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی بسیار عمیق است؛ اما پاکستان سعی می‌کند سیاست مستقلی در عرصه روابط خارجی داشته باشد و چندان به درخواست عربستان برای حضور در منطقه بحران زده خاورمیانه و خلیج فارس پاسخ مثبت ندهد. در این شرایط، برخلاف این که عربستان می‌خواهد از قدرت پاکستان به صورت مخرب و منفی در بحران‌های منطقه‌ای مانند یمن و سوریه استفاده کند، از توانمندی و نفوذ پاکستان می‌توان برای میانجی‌گری در راستای مهار و توقف بحران بهره گرفت.



منابع فارسی

- بهرامی، محمدرضا، سایت دیپلماسی ایرانی، «همکاری‌های اسلام‌آباد - ریاض به ضرر تهران نخواهد بود»، 17 اردیبهشت 1393، قابل دسترسی در: <http://irdiplomacy.ir/fa/49656>
- خبرگزاری فارس، «عربستان ارزش‌آوردترین کشور برای مهاجران پاکستانی»، 21 دی 1392.
- خبرگزاری فارس، «نواز شریف در عربستان؛ ریاض در اسلام‌آباد به دنبال چیست؟»، 16 اسفند 1393.
- دیپلماسی ایرانی، «جزئیات سفر وزیر دفاع عربستان به اسلام‌آباد»، 21 دی 1394، قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1955492/html>
- سایت شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، «هدیه یک و نیم میلیون دلاری عربستان به پاکستان»، 27 اسفند 1392.
- سجادی، عبدالقیوم، «طالبان، ایران و پاکستان؛ مطالعه سیاست خارجی ایران، پاکستان و عربستان درباره افغانستان از سقوط مزار تا کنون». فصلنامه علوم سیاسی، ش 2، 4 آذر 1388، قابل دسترسی در: <http://www.hawzah.net/fa/Article/View/84390/>
- قوام، عبدالعلی، (1383)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.
- مهتدی، محمدعلی، سایت دیپلماسی ایرانی، «عربستان هیچ‌گاه به بمب هسته‌ای پاکستان نمی‌رسد»، 18 اردیبهشت 1393.

منابع خارجی

- Ali, Syed Mohammad, (2015), Rethinking Pak-Saudi relations, August 7, 2015, At: <http://tribune.com.pk/story/933526/rethinking-pak-saudi-relations/>.
- Blank, Jonah, (2015), What Pakistan and Saudi Arabia Want from Each Other, June 17, 2015, At: <http://www.rand.org/blog/2015/06/what-pakistan-and-saudi-arabia-want-from-each-other.html>.
- Booth, ken and Moorhead Wright, (1978), American thinking on peace and war, N.Y: baren and noble.
- Coughlin, Con, (2015), The Saudis are ready to go nuclear, 08 Jun 2015, At: <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/saudi-arabia/11658338/The-Saudis-are-ready-to-go-nuclear.html>.
- Ghitis, Frida, (2015), As Iran Deal Nears, Saudi Arabia and Pakistan Relations Chill, June 11, 2015, At: <http://www.worldpoliticsreview.com/articles/15970/as-iran-deal-nears-saudi-arabia-and-pakistan-relations-chill>.
- Pillalamarri, Akhilesh, (2015), Why Saudi Arabia Needs Pakistan, March 12, 2015, At: <http://thediplomat.com/2015/03/why-saudi-arabia-needs-pakistan/>.
- Weinbaum, Marvin G, (2015), Pakistan Will Disappoint Saudi Arabia, May 5, 2015, At: <http://foreignpolicy.com/2015/05/05/pakistan-will-disappoint-saudi-arabia/>.
- why Pakistan staying out yemen?, (2015), 24 April 2015, At: <http://nationalinterest.org/feature/why-pakistan-staying-out-yemen-12730>.

